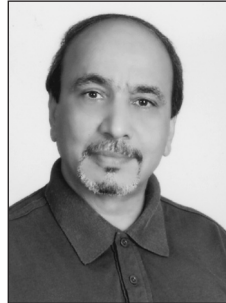


سخن مدیر مسوول



بی قانونی مادر تمام بی سروسامانی‌ها است. پیش از انقلاب تعداد آزمایشگاه‌ها و پزشکان با جمعیت کشور هم‌آهنگ نبود. در آن زمان تخلفاتی از چند

آزمایشگاهی آژند سر می‌زد که در برابر آن توسط مدیر کانون مدیران، دکتر نصر فرزند راستین این مرز و بوم، سرکوب می‌شد، بیشتر آزمایشگاهیان و پزشکان جزء افراد سرآمد جامعه به‌شمار می‌آمدند. سال‌های دیرتر با تولید بی‌شمار پزشکان، معادله وارونه گشت و نسبت آزمایشگاه‌ها و پزشکان حتا بالاتر از کشورهای دیگر شد. خوب بهتر از این چه می‌تواند باشد؟ در کار می‌بینیم، بی قانونی بیشتر شده است و آزمندان نیز بیشتر از پیش.

قانون نظام پزشکی کشور بلزدارنده‌ترین قانون‌های تخلف‌های پزشکی است و به‌راستی بیشتر سروران نیز از پزشکان والایی هستند. اما دریغاً روز به‌روز تبلیغ‌ها و آگهی‌های دروغین و فریبنده همکاران جوان‌تر، جامعه‌ی آزمایشگاهیان را به نشیب می‌رانند. نبودن هم‌آهنگی میان سازمان‌های مسوول و بکارگیری سلیقه‌های شخصی باعث بهره‌گیری ناشایست فرصت‌طلبان و دلسردی خدمتگاران شده است.

این روزها تابلوها پر از آگهی‌های خلاف قانون‌های نظام پزشکی است. نشریه‌های پزشکی آکنده از نگارش تبلیغ‌های مخالف قانون پزشکی و انسانی است.

در همه پروانه‌ها به گونه‌ای روشن به‌نام و عنوان کاری آزمایشگاه پرداخته شده است. اما می‌بینیم یک آزمایشگاه که مسوول فنی آن به ساده‌ترین آزمایش‌ها می‌پردازد، بر سر آزمایشگاه خود چنین می‌نویسد "آزمایشگاه تخصصی..." یا دیگر می‌نویسد "زیر نظر آزمایشگاه رفرانس..." خنده‌آورتر از آن‌ها "این ساختمان به‌عنوان بهترین ساختمان..." تازه گی‌ها تبلیغ داشتن ایزو... و یا همکاری با شرکت گمنامی در فنلاند نیز مد روز شده است.

این نابسامانی‌ها و دروغ‌بافی‌ها، تنها یک دلیل دارد و آن هم نبود مدیریت توانمند.

یکی از زیباترین کارهای چند ماه گذشته‌ی وزارتخانه، ابلاغ انجام فرآیند مستندسازی به آزمایشگاه است.

در کشورهای پیشرفته، برای کنترل کیفی مقرراتی دارند که به‌گونه‌ی پیوسته‌ی‌گیری می‌شود (که چند سالی است در کشور ما نیز کارهای

مشابهی نیز در حال شکل گرفتن است). در آمریکا از سال ۱۹۶۵ قانون فراگیری به نام قانون ۸۹-۹۷ به مرحله‌ی اجرا در آمد. این قانون پس از اصلاح‌های مداوم، اکنون به برنامه‌ی "Clinical Laboratory Evaluation Program" یا به گونه‌ی کوتاه "CLIA" نامیده می‌شود. در ایران در چند سال گذشته نیز برنامه‌ای همسان این نیز کارپردازی شده است.

ناگفته نماند که "ایزو" برای آزمایشگاه‌ها برای بهبود کیفیت و آسایش روان است و نه برای تبلیغ و آگهی. آزمایشگاه‌ها هنگام گرفتن پروانه و یا تمدید پروانه باید از استانداردهای جهانی برخوردار باشند. این استانداردها نیاز و واجب است نه اینکه حربه‌ی تبلیغاتی شود. از سویی دیگر نظر به پایین بودن تعرفه‌های آزمایشگاهی، و افزایش بی‌رویه‌ی آزمایشگاه‌های خصوصی، سود به‌دست آمده در برابر سرمایه‌گذاری زیاد مورد نیاز یک آزمایشگاه استاندارد، با هیچ منطق اقتصادی توجیه‌پذیر نیست، بدین روی برخی از همکاران می‌خواهند به روش‌های نامناسب این نابرابری را اصلاح کنند.

نازش به فرستادن نمونه به خارج نیز در حال گسترش است. چگونه می‌توان این کار را توجیه کرد؟

اگر کسی دارای پروانه و شایسته‌ی داشتن آزمایشگاه است باید همه‌ی کارهای مربوط به پروانه‌اش را خود انجام دهد یا دست‌بالا با یکی از آزمایشگاه‌های مجهزتر داخلی بفرستد. اکنون همه‌ی رشته‌ها در میهن پهناور ما وجود دارد و تبلیغ فرستادن به خارج تنها می‌تواند بیمار فریبی باشد و خویشکاری مسوولان است که از این پدیده جلوگیری کند.

فرستادن نمونه به خارج (مانند فنلاند) نیز پرسش برانگیز است. اگر مسوول یک آزمایشگاهی کنترل کیفی نداند، پس چگونه ملوک دانشگاهی و پروانه گرفته است؟ هر دانشجو و یا دستیار آزمایشگاه می‌داند که کنترل کیفی را چگونه انجام دهد. کنترل کیفی داخلی که روزانه باید انجام شود (تعیین سلامت، دقت و تکرارپذیری و CV) و کنترل کیفی خارجی (خارج از آزمایشگاه) هم اکنون توسط آزمایشگاه‌های رفرانس تهران و شهرستان‌ها هم نیز پیوسته انجام می‌شود. حتا آزمایشگاه‌های یک منطقه نیز با فرستادن نمونه به یکدیگر چنین کاری را انجام می‌دهند. پس نوشتن "کنترل کیفی توسط یک شرکت فنلاندی" به جز ضعف به چه معنا است؟ حتا اگر چنین کاری برای بهبود کیفیت باشد نباید در جایی بازتاب پیدا کند. بی‌گمان هر کسی برای آسایش روان می‌تواند راه‌های گوناگونی برای کنترل کار خود به‌کار برد که این مساله جزء خویشکاری‌های وی است و هیچ‌گونه برتری به‌شمار نمی‌آید. برتری تنها در دادن جواب درست به بیمار و امانت‌داری نسبت به مردم است و نه چیز دیگر.

